

ارتقاء حس اجتماعی در نواحی مسکونی مبتنی بر تطبیق دو نظریه زبان الگو کریستوفر الکساندر و طرح‌واره شناختی کیم و کاپلان (با نگاهی به محله تاریخی سرچشمه زنجان)

محمد باقری^{*۱} - مهدیس لقمانی^{*۲}

۱۴۰۲/۰۲/۱۳

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۲/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

بیان مساله: ارتقاء حس اجتماعی و تعاملات جمعی، از مطالبات فراگیر در نواحی مسکونی معاصر است که ریشه در کم‌توجهی به انسان و نیازهایش در برنامه‌ریزی و طراحی نواحی مسکونی دارد. ویژگی‌های کالبدی نواحی مسکونی بر نحوه تعاملات جمعی و بروز حس همسایگی ساکنان از طریق افزایش تعداد تعاملات و فراهم کردن محیط‌های دوستانه تأثیرگذار است.

سوال تحقیق: با گسترش نواحی مسکونی جدید و نیاز به فضاهای جمعی^۱، الگوهای طراحی نواحی مسکونی چگونه می‌توانند به تقویت تعاملات جمعی و حس همسایگی منجر شوند؟^۲ طرح‌واره‌های ذهنی ساکنان پیرامون تعاملات جمعی و حس همسایگی، چه ارتباطی با زبان الگوهای طراحی دارند؟

اهداف تحقیق: این پژوهش بر آن است که با استفاده از نظریه طرح‌واره‌های ذهنی (حوزه روانشناسی شناختی) و تطبیق آن با نظریه زبان الگوی الکساندر (حوزه برنامه‌ریزی و طراحی محیطی)، چهارچوبی برای تقویت تعاملات جمعی نواحی مسکونی پیشنهاد نماید.

روش تحقیق: به منظور پاسخ به پرسش اول تحقیق، ابتدا کلیات نظریه زبان الگو و ۲۵۳ الگو بررسی شده و الگوهای مرتبط با نواحی مسکونی، به روش تحلیل محتوای منابع معتبر، مورد بازشناسی قرار گرفت. در پاسخ به سوال دوم، مفهوم طرح‌واره ذهنی و نظریه زبان الگو و ارتباط آن دو، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، جمع‌آوری اطلاعات و بررسی به روش تحقیق تفسیری و کیفی، با توصیف و تحلیل محتوای متون، شناسایی و واکاوی گردید.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: با بررسی مفهوم طرح‌واره‌های ذهنی در زمینه دانش روان‌شناسی شناختی، سه طرح‌واره مرتبط با محیط سکونت شامل هویت سکونت، تعامل فردی - اجتماعی و دلبستگی محلی تبیین شدند و در بررسی ارتباط بین الگوهای طراحی نواحی مسکونی با طرح‌واره‌های سکونت-مبنا، راهکاری برای تقویت حس اجتماعی در این فضاها آشکار شد. برای ارتقاء حس اجتماعی ساکنان، طرح‌واره هویت سکونت با ۱۱ الگو، طرح‌واره تعامل فردی با ۱۰ الگو، طرح‌واره تعامل اجتماعی با ۸ الگو و طرح‌واره دلبستگی محلی با ۶ الگو نقش آفرینی می‌کنند. با توجه به ماهیت شناختی طرح‌واره‌ها، درهم تیدگی و پیوستگی الگوهای برنامه‌ریزی و طراحی از طریق رویداد محوری فضاها، نقش مهمی در ارتقاء کیفی نواحی مسکونی دارد. نتایج پژوهش، اعتبار درونی نظریه زبان الگو را در پیوند با نظریه طرح‌واره‌های شناختی برای تقویت تعاملات نواحی مسکونی آشکار می‌کند. کاربست چهارچوب پیشنهادی در محله تاریخی سرچشمه زنجان، روایی بیرونی مدل پیشنهادی را از طریق ذهن - بنه‌ها، مؤلفه‌ها، زبان الگو و راهکارهای برنامه‌ریزی و طراحی، آشکار می‌کند.

کلمات کلیدی: طرح‌واره شناختی - زبان الگو - کریستوفر الکساندر - نواحی مسکونی - حس اجتماعی - محله سرچشمه

*^۱ استادیار گروه معماری، دانشکده مهندسی معماری، دانشگاه زنجان. (نویسنده مسئول) ایمیل: mbagheri@znu.ac.ir

*^۲ کارشناس ارشد مهندسی معماری، دانشکده مهندسی معماری، دانشگاه زنجان. ایمیل: mahdis.laghmani1105@gmail.com

* این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد با عنوان "طراحی یک سکونتگاه محلی با استفاده از زبان الگوها در شهر زنجان به منظور ارتقاء حیات مدنی" نگاشته شده است.

۱- مقدمه

امروزه، اهمیت فضاهای شهری، محلی و مسکونی در رفع نیازهای محیطی و ارتقاء کیفیت زندگی و شکل‌گیری زندگی، شخصیت و نظام روابط اجتماعی انسان، آشکار شده است. انسان‌ها با دلایل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و اقتصادی، به انتخاب شهر و سکونتگاه، منطقه و محله اقدام می‌کنند و در صورت رضایتمندی از محله، آن را متعلق به خود می‌دانند. محله، بستر ارتباط ساکنان با هم و پاسخگوی نیاز روابط اجتماعی است و ارتقاء تعاملات جمعی و حس همسایگی در یک زندگی اجتماعی با کیفیت، به سرزندگی ساکنان محله و شهر کمک می‌کند. این پژوهش الگوهای طراحی نواحی مسکونی را مبتنی بر نظریه زبان الگوی کریستوفر الکساندر (حوزه برنامه‌ریزی و طراحی محیطی) و در پیوند با نظریه طرح‌واره‌های ذهنی (حوزه روانشناسی شناختی) بررسی می‌کند. زبان الگو، مجموعه دستورالعمل‌های طراحی است که پژوهشگر معماری، کریستوفر الکساندر، به منظور تأمین نیازهای محیطی بسط داده است.

۲- پرسش‌ها

با توجه به گسترش نواحی مسکونی جدید و فضاهای باز میانی در دهه‌های اخیر، این مقاله دو پرسش را مورد بررسی قرار داده است: ۱. الگوهای طراحی نواحی مسکونی چگونه می‌توانند به تقویت تعاملات جمعی و حس همسایگی منجر شوند؟ ۲. طرح‌واره‌های ذهنی ساکنان پیرامون تعاملات جمعی و حس همسایگی، چه ارتباطی با زبان الگوهای طراحی دارند؟

۳- فرضیه تحقیق

فرضیه تحقیق بر اساس مفاهیم برخاسته از تجارب عینی و سوالات پژوهش به این ترتیب تعریف شده است: هم‌پیوندی زبان الگوی طراحی نواحی مسکونی با طرح‌واره‌های شناختی ساکنان، شامل طرح‌واره‌های تعامل، هویت سکونت و دلبستگی به مکان، می‌تواند به ارتقاء حس اجتماعی در نواحی مسکونی منجر شود.

۴- پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر با غلبه زندگی مبتنی بر اتومبیل و برنامه‌ریزی خودرو محور، حس اجتماعی جوامع محلی

کاهش یافته است و برخی نظریه‌پردازان و اندیشمندان معماری و شهرسازی مانند دونالد ایلپارد^۱، یان گل^۲، ویلیام وایت^۳، کوین لینچ^۴، جین جیکوبز^۵ و کریستوفر الکساندر، در هر دو حوزه نظری و عملی موضوع را واکاوی کرده و بر ظرفیت محله و نواحی مسکونی در رفع نیازها، ارتقاء کیفیت زندگی، بسترسازی و پاسخ به نیاز روابط اجتماعی، تأکید کرده‌اند. کتاب نظریه زبان الگو^۶ نوشته الکساندر و همکاران، مجموعه راهکارهای محیط انسان ساخت را در قالب ۲۵۳ الگو یا دستورالعمل برای خلق مکان‌های جذاب معرفی کرده است. این الگوها در زمینه محیط طبیعی و مصنوع، در سه دسته الف) الگوهای جهانی تعریف‌کننده جامعه شهری، ب) الگوهای تعریف‌کننده ساختمان‌ها و فضاهای بینابین و ج) الگوهای جزئیات طراحی فضاهای داخلی، تفکیک می‌شوند. ماهیت شهودی نظریه زبان الگو، کاربست و تعمیم‌پذیری آن را در حل مشکلات سکونتگاه‌ها با ابهام مواجه ساخته است. در این پژوهش، با استعانت از ترکیب دو نظریه زبان الگو و طرح‌واره‌های شناختی، چهارچوبی برای تقویت تعاملات جمعی و همسایگی ارائه می‌شود.

۵- روش تحقیق

به منظور پاسخ به سؤال اول پژوهش، ابتدا کلیات نظریه زبان الگو و ۲۵۳ الگوی پیشنهادی الکساندر بررسی شد و الگوهای مرتبط با نواحی مسکونی، به روش تحلیل محتوای منابع، بازشناسی شد. در پاسخ به سؤال دوم تحقیق، مفهوم طرح‌واره‌های ذهنی و نظریه زبان الگو و ارتباط آن دو، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات و بررسی در حوزه روانشناسی شناختی و روانشناسی رشد به روش تحقیق تفسیری و کیفی و با توصیف و تحلیل محتوای متون مرتبط، صورت گرفت. با توجه به طیف گسترده کتاب‌ها و مستندات در هر دو موضوع زبان الگو و طرح‌واره‌های ذهنی، منابع مطالعاتی معتبر و اطلاعات کتابخانه‌ای در کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های معتبر بررسی شدند. بخش مرتبط با زبان الگوها با رجوع به آراء صاحب‌نظران جمع‌آوری شد و با استفاده از روش استدلال منطقی به تبیین رابطه متغیرهای پژوهش و انسجام منطقی منتج شد. در ادامه چارچوب پیشنهادی در ترکیب طرح‌واره‌های



شناختی ساکنان و زبان الگوهای طراحی مسکونی بررسی شده و کارایی مدل پیشنهادی در محله تاریخی سرچشمه زنجان بررسی شده است.

۶- مبانی نظری:

۶-۱- تعاملات جمعی در نواحی مسکونی معاصر

شهرها و نواحی مسکونی به عنوان محصول یکجانشینی انسان، تا حوالی دهه‌ی ۱۹۶۰، براساس قرن‌ها تجربه بشری طراحی می‌شد؛ اما با تغییر روش برنامه‌ریزی و طراحی شهرها و محله‌ها در یکصد سال اخیر و رشد شهری سریع، ساخت شهر به برنامه‌ریزان و شهرسازانی سپرده شد که نتیجه کار آنها برنامه‌ریزی ترافیکی برای تردد خودروها و تشدید ترافیک سواره در محیط‌های شهری بود و به تدریج برنامه‌ریزی فضای با کیفیت و زیست‌پذیر شهری و محلی در مقیاس انسانی فراموش شد. البته در سال‌های اخیر، توجه به زندگی شهری و جایگاه انسان در فضای شهری، مورد توجه قرار گرفته است تا شهرهایی دوستدار مردم، زنده، پویا، ایمن و سالم ایجاد شود. (گل، ۱۳۹۶، ص ۶)

محله به عنوان یک واحد اجتماعی، محل سکونت اقلاری از جامعه است که دارای وجوه مشترک اجتماعی هستند (حیبی و مسائلی، ۱۳۸۶، ص ۱۳). محله، خرده فرهنگی متشکل از مجموعه چند واحد همسایگی است که هر کدام خرده فرهنگ‌هایی در زیر مجموعه دارند. (زرینی، ۱۳۹۶، ص ۱۴-۱۶) مفهوم همسایگی بازتاب دهنده روابط اجتماعی است (Sabzalizade, 2019) و زندگی اجتماعی محله، زندگی خصوصی ساکنان را با زندگی اجتماعی شهر پیوند می‌دهد (Brower, 1996). در محیط هر محله خوشه‌ها و نواحی مسکونی، حافظ احساس اجتماعی هستند. (Farahani, 2014) و در طول تاریخ، محله‌ها، مکان‌هایی با درجه بالای الگوهای اجتماعی، تعاملات جمعی و حس همسایگی ساکنان بوده‌اند. اگرچه با گذار به شهر صنعتی و سپس شهر رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی این نقش‌ها ضعیف شده است اما هنوز هم افراد، نیاز به تعاملات چهره به چهره و جوامع محلی غیر مجازی دارند و محله (به خصوص فضاهای سکوتی آن)

فرصت مناسبی برای پاسخ به تعاملات فراهم می‌نماید (Francis, 2012). نواحی مسکونی، نحوه تعاملات جمعی و بروز حس همسایگی بین ساکنان را تعیین می‌کنند و ویژگی‌های کالبدی محیط انسان ساخت از طریق افزایش تعداد تعاملات و فراهم کردن محیط‌های دوستانه عابران پیاده، بر شدت این احساس تأثیر دارد (Granovetter, 1973). حس اجتماعی زندگی در محله، می‌تواند جامعه را سالم‌تر، ایمن‌تر و از نظر اجتماعی پایدارتر کند و اقتصاد محلی را تقویت کند.

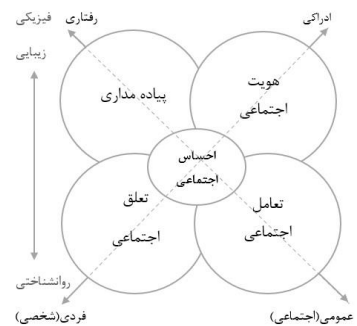
۶-۲- طرح‌واره ذهنی و حس زندگی در جامعه محلی

به اعتقاد روانشناسان، کنش‌های شناختی از حواس^۷ آغاز می‌شود. دانش ابتدایی انسان درباره جهان، حسی است و از طریق توجه، انتخاب و انتقال برخی از اطلاعات حافظه حسی به حافظه کوتاه مدت، ادراک صورت می‌گیرد. اطلاعات جالب توجه در حافظه حسی به الگوهای تصویری یا سایر الگوهای حسی تبدیل می‌شوند و به حافظه کوتاه مدت انتقال می‌یابند. این الگوها با سطحی دیگر از پردازش اطلاعات در حافظه بلند مدت به الگوی معنایی تبدیل می‌شوند. به هر گونه الگوی ارتباطی میان داده‌های ذخیره شده در حافظه "طرح‌واره" گفته می‌شود و هر طرح‌واره مجموعه‌ای از گره‌ها و ارتباطات آن‌ها در شبکه تار عنکبوتی حافظه است که به خاطر ارتباط محکم با هم، به صورت یکپارچه بازیابی می‌شوند و ادراکات از دیگران و موقعیت‌ها، متأثر از طرح‌واره ذهنی است. (شریف، ۱۳۹۱، ص ۲۴-۲۸)

نایسر^۸، مفهوم طرح‌واره را پیونددهنده ادراک و فرایند عالی‌تر ذهن می‌داند. (لنگ، ۱۳۸۱، ص ۹۷) سیفرت^۹ نیز طرح‌واره را هدایت‌کننده عملیات پردازش ذهنی قلمداد می‌کند که میانجی ادراک با شناخت است. طرح‌واره، بازنمایی انتزاعی از خصوصیات متمایز کننده وقایع است که بر اساس تجربه شکل گرفته و به رفتارها و شناخت‌ها و احساسات انسان جهت بخشیده و قواعد پردازش اطلاعات را مهیا می‌کند. (فرمپینی فراهانی، ۱۴۰۰، ص ۵) طرح‌واره‌ها در محیط‌های مسکونی و روابط ساکنان قابل مشاهده است. در زمینه حس اجتماعی مکان و



عوامل شکل‌گیری آن در فضاهای زیستی، نظریه‌هایی مطرح شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نظریه کیم و کاپلان است. طبق نظر کیم و کاپلان، چهار حوزه احساس اجتماعی عبارتند از: ۱) دلبستگی به اجتماع یا مکان، به ارتباطات ساکنان با جامعه اشاره دارد. ۲) هویت اجتماعی، به شناسایی شخصی و عمومی جامعه خاص با ویژگی خاص اطلاق می‌شود. ۳) تعاملات اجتماعی، فرصت اجتماعی رسمی و غیر رسمی ساکنان با توجه به کیفیت روابط خود است. ۴) پیاده‌مداری، به آمادگی کالبدی جامعه برای پیاده‌روی و تشویق فعالیت خیابانی اشاره دارد. این حوزه‌ها از زیرمجموعه‌هایی تشکیل شده‌اند و از چند جنبه باهم مرتبط هستند. در شکل ۱ مدل کیم و کاپلان ارائه شده است (Kim & Kaplan, 2004). روابط بین مولفه‌های این مدل نشان می‌دهد حوزه‌های حس اجتماعی، طیفی از ویژگی‌های فردی-اجتماعی و ویژگی‌های فیزیکی-روانی دارند (Kim, 2007) و می‌توان آن‌ها را معادل طرح‌واره‌های ذهنی و عینی دانست.



شکل ۱: مدل حس زندگی اجتماعی (کیم و کاپلان)

بر طبق توضیحات جدول ۱، که توسط ساب کیم در تبیین ابعاد نظری قلمروهای حس اجتماعی محله بسط یافته است، هویت اجتماعی (به مفهوم این همانی با جامعه محلی) و تعلق اجتماعی (به مفهوم دلبستگی. پیوند با جامعه محلی) مبتنی بر مفاهیم ادراکی یا طرح‌واره ذهنی شکل می‌گیرند. همچنین بر اساس جدول یاد شده، پیاده‌مداری (به مفهوم شناخت عینی جامعه در مقیاس انسان پیاده) و تعامل اجتماعی (به مفهوم درگیر شدن با جامعه محلی) مبتنی بر فعالیت رفتاری یا طرح‌واره عینی است. در تطبیق طرح‌واره‌های ذهنی با نظریه زبان الگو به عنوان دستورالعمل طراحی در محیط‌های مصنوع زندگی مردم، قرابت بسیاری بین این دو نظریه مشاهده می‌شود که بر اساس آن، طرح‌واره‌ها را می‌توان بازنمایی ذهنی الگوها و ترکیب آن‌ها در مقیاس‌های مختلف دانست. (شریف، ۱۳۹۱، ص ۲۳) در ادامه به بیان الگوهای طراحی در ساخت محیط‌های مسکونی و الگوهای ایجاد کننده حس اجتماعی پرداخته می‌شود.

۷- تحلیل و بررسی‌ها

۷-۱- الگوهای طراحی و ارتقاء حس اجتماعی

انسان بر اساس نیازها، ارزش‌ها و اهداف به فضا سازمان می‌بخشد و تحت تأثیر انتظام و ارزش‌های آن قرار می‌گیرد. بعضی از سیستم‌های انتظام فضایی در طول زمان دگرگون می‌شوند و برخی پایدار می‌مانند.

جدول شماره ۱: ابعاد نظری حوزه‌های حس

حوزه‌های حس جامعه				
	پایاده مداری	تعامل اجتماعی	هویت اجتماعی	دلبستگی اجتماعی
	شناخت جامعه	درگیر بودن با جامعه	این همانی با جامعه	پیوند با جامعه
اقدام اولیه	قابلیت پیاده‌مداری	همسایگی	منحصر به فرد بودن	رضایت‌مندی اجتماعی
اجزای فرعی	نزدیکی عابری پیاده	روبارویی گاه به گاه اجتماعی	تداوم	ارتباط
	حمل و نقل عمومی	مشارکت جمعه	اهمیت	حس مالکیت
	مقیاس پیاده	حمایت جمعی	انسجام و پیوستگی	تعامل بلند مدت
	فعالیت‌های خیابانی			



اجتماعی (Kim, 2007)

دبونو^{۱۱}، ذهن انسان را یک سامانه الگوساز و الگوخواه می‌داند و الگوهای ذهنی را مرحله نهایی شناخت تلقی می‌کند که در کنش آتی، فعال می‌شود. انسان از بدو تولد الگوهای بسیاری در ذهن دارد که بقای او را تضمین می‌کند و هم‌راستا با این قاعده‌مندی ذاتی ذهن و محیط پیرامونی، به طور خودآگاه و ناآگاه، به دنبال نظم در بی‌نظمی است. (بل، ۱۳۸۲، ص ۱۱) با بررسی تعاریف طرح‌واره‌های ذهنی و الگوهای محیط مصنوع در تئوری زبان الگوی الکساندر، پایه نظری مفهوم الگوی سکونت، از طریق رابطه دوسویه الگوهای کالبدی و طرح‌واره‌های ذهنی حاصل می‌شود. الکساندر، الگوها را ابزار طراحی به منظور انسانی کردن محیط و معنا بخشی می‌داند. در مدل‌های روانشناختی، معنادار بودن هر محرک حسی، از جمله الگوهای معماری، در گرو تداعی آن محرک حسی و طرح‌واره‌های پیشین است. طرح‌واره‌ها، علاوه بر نتیجه کنش‌های شناختی، هدایت‌گر و میانجی شکل‌گیری طرح‌واره جدید هستند و معناپذیری الگوهای کالبدی به کمک بازنمایی طرح‌واره‌های ذهنی شکل می‌گیرد.

از دیدگاه الکساندر، الگوها واقعیت اجتناب‌ناپذیری هستند که بارها و بارها با تغییرات اندک ولی هماهنگ با الگوهای ذهنی رخ می‌دهند. این مفهوم، با تعریف روانشناسان از طرح‌واره‌ها در شناخت محرک حسی، هماهنگی دارد. طرح‌واره شناختی را می‌توان در تبیین دو مفهوم نظریه زبان الگو به کار برد: ۱. درک و کنترل فرایندهای پیچیده. ۲. دستیابی به انسجام ساختاری و عملکردی. همانند طرح‌واره‌ها که موجب تسهیل فرایند شناختی می‌شوند، زبان الگو نیز درک و کنترل فرایند پیچیده را ممکن می‌کند. همان‌طور که طرح‌واره‌ها، فرایندی ساختارمند و شبکه‌ای نظام یافته و مرتبط را در پردازش (بازیابی) اطلاعات و پاسخ به محرک طی می‌کنند، الگوهای طراحی نیز به یکدیگر وابسته‌اند و از یک ساختار سلسله‌مراتبی و انتظام ترکیبی برخوردارند و با حمایت هم معنادار می‌شوند. وقتی چیزی در جهان ساخته می‌شود، محیط اطراف را نوسازی می‌کند تا به تدریج گسترده‌تر، منسجم‌تر و کم‌نقص‌تر شود و در شبکه طبیعت اطراف استقرار یابد. بنابراین، ایده زبان الگو، صرفاً یک فهرست کالبدی از الگوهای طراحی فاقد

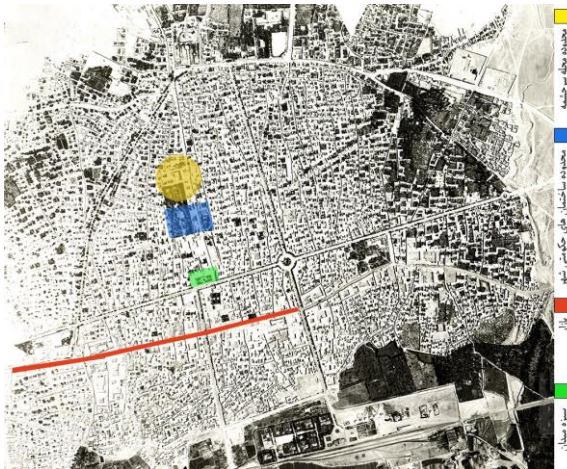
انتظامات فضایی قادرند برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و یا تضعیف کنند و یا نقش‌های اجتماعی بر ساکنین تحمیل نمایند و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنین ببخشند. آگاهی از چگونگی این فرآیند ما را در طراحی مطلوب‌تر فضاها یاری می‌بخشد و علاوه بر پاسخ به نیازهای انسانی، در جهت تقویت رفتارهای مطلوب و محدود نمودن رفتارهای غیر مطلوب عمل می‌کند. اما تصمیم‌گیری، نیازمند ساده کردن پیچیدگی ذهنی و یافتن قاعده‌مندی در نظم و بی‌نظمی است تا الگوهای شناسایی و به خاطر سپرده شوند که آگاهانه و به سهولت کشف شوند. (شریف، ۱۳۹۱، ص ۲۳) یک زبان الگو شامل اطلاعات مفیدی در مورد ارتباطات الگوهاست و به قانون‌مند کردن الگوها کمک می‌کند. (سالینگروس، ۱۳۹۷). لویکا زبان الگو را یک نظریه ساختاری می‌داند که ریشه در نظریه فلسفی نظم طبیعی اشیا و نظریه نیازهای انسانی دارد (Lewicka, 2020). الگو، برداشتی تجربیدی از مفاهیم و ادراکات مشترک انسان در فضا و محیط کالبدی است که به کمک نمادها، نشانه‌ها، نیازها و هنجارها تجلی ظاهری می‌یابد و پیچیدگی محیط را قابل درک کرده و فضای ملموسی ایجاد می‌کند (رحمتی، ۱۳۹۱، ص ۳۳).

از دیدگاه الکساندر، هدف هر معمار یا اثر معماری درک و ارتقاء کیفیت زندگی انسان است (الکساندر، ۱۳۹۷، ص ۱۰-۶). در نظریات الکساندر و همکارانش در کتاب زبان الگو، الگوهای سازنده محیط مسکونی متناسب با نیازها و روحیات انسان طرح شده است. در بررسی ۲۵۳ الگوهای الکساندر، برخی الگوها، پیرامون ساخت محیط مسکونی و یا در جهت ارتقاء حس همسایگی و زندگی اجتماعی ارائه شده‌اند و با توجه به ارزش بین‌المللی باهمستان / جامعه محلی / محله، استخراج این الگوها و کاربست آن‌ها در زمینه نواحی مسکونی معاصر ضروری است.

۷-۲- طرح‌واره ذهنی و زبان الگوی الکساندر

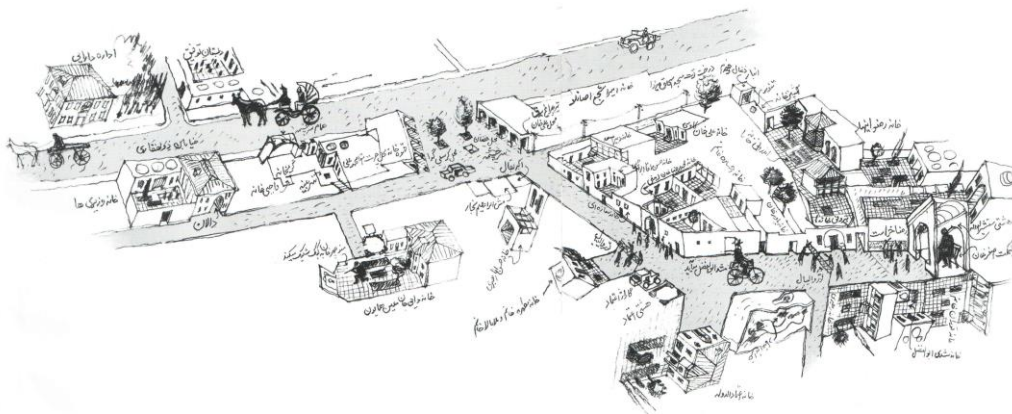
طرح‌واره‌های ذهنی، نتیجه فرایند شناختی هستند و به شکل الگوهای سامان یافته در ذهن ذخیره می‌شوند.





شکل شماره ۲: موقعیت محله سرچشمه در عکس هوایی مربوط به سال ۱۳۳۵ شهر زنجان

در محله سرچشمه خانه‌های مسکونی دور ساز یک طبقه با حیاط و فضای سبز در دسترس ساکنان بود. در هر کوچه تعداد خانه‌ها به دلیل یک طبقه بودن محدود و فضاهای ساخته شده در مقیاس انسانی بود.



شکل شماره ۳: محله سرچشمه زنجان (صارمی ۱۳۹۲، ص ۲۳ و ۲۲)

در مرکز محله ردیفی از مغازه‌ها برای تهیه مایحتاج روزانه وجود داشت و به منظور دسترسی راحت‌تر، در نقاط خاص مانند نبش کوچه‌ها یا نزدیک مرکز محله و مکان تجمعات نیز مغازه‌هایی ساخته می‌شد یا بخشی از خانه به محل خرید و فروش اجناس اختصاص می‌یافت.

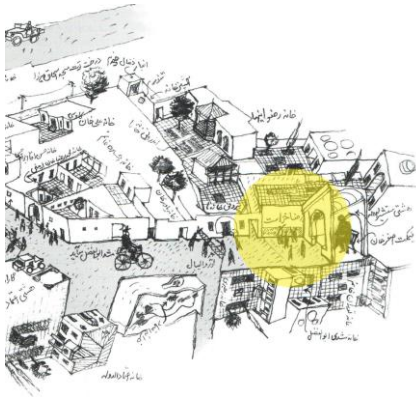
سناریو نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از الگوهای درهم تنیده است که در ارتباط با الگوهای دیگر در سطوح بالاتر و پایین‌تر کامل می‌شود. و روابط میان الگوها به شکل‌گیری زبانی ترکیبی منجر می‌شود.

۳-۷- زبان الگوها در محله سرچشمه

شهر زنجان از دیرباز، ده‌ها محله‌ی مسکونی در دل خود جای داده است و محله سرچشمه یکی از این محلات کهن در ضلع شمالی شهر است. اگرچه محله سرچشمه امروز، حال و احوال سابق را ندارد اما روزگاری با درختان کهنسال مرکز محله و باغچه‌های خانه‌ها و بناهای تاریخی سر به آسمان می‌سایید و به سبب سکونت افراد سرشناس ساکن در محله و قنات وقفی آن شهره بود. محله سرچشمه از شمال به ارگ عبدالله میرزا دارا (دروازه ارک - دروازه دولت) از جنوب به میدان توپخانه (سبزه میدان)، از شرق به محله و تکیه اسدالله بیگ و از غرب به مسجد و محله نصرالله‌خان متصل است. قدمت محله به دوره قاجاریه می‌رسد و دارای خانه‌های قدیمی با

اندرونی و بیرونی و معابر تو در تو و گذرها و کوچه‌ها و بن‌بست‌های فراوان و میدان‌گاهی با پلان نامنظم (مرکز محله سرچشمه) می‌باشد. همانند دیگر شهرهای ایرانی، محلات شهر زنجان نیز علاوه بر فضاهای سکونتی، مسجد، آب انبار، کاریزها و مغازه‌ها و مسیرهای دسترسی و مانند آن داشته‌اند. مساجد، کاریزها (محل بهره‌برداری آب) و جلوی درب منازل به عنوان فضاهای تجمعی و گره‌های فعالیتی در هر کوچه و محله دیده می‌شد.

که رفت و آمد همسایگی و خانوادگی داشتیم. این بن‌بست‌ها از بارزش‌ترین و مهم‌ترین فضاهای شهری گذشته‌ی ما بودند اما در شهرهای امروز، هم کوچه و هم بن‌بست از بین رفته است. پاتوق بچه‌های محله، همین بن‌بست بود که زمانی در آن تور والیبال می‌بستند، زمانی آن را تبدیل به زمین فوتبال می‌کردند، و غروب‌ها سکوهای اطراف خانه‌ی انتهایی بن‌بست، محل تجمع، گفت و گو برای همسایگان بود." (صارمی، ۱۳۹۲، ص ۲۰)



تصویر شماره ۶: بن‌بست کوچه‌ای در محله سرچشمه زنجان (صارمی، ۱۳۹۲، ص ۲۳)

در جدول زیر به برخی الگوهای طراحی و مصادیق کاربردی آن‌ها در محله سرچشمه زنجان مانند الگوی مرز محله برای محدود کردن دسترسی سواره و ایجاد فضای تعاملی بن‌بست‌ها اشاره شده است.

جدول شماره ۲: الگوهای طراحی و مصادیق کاربردی آن‌ها در محله سرچشمه زنجان

الگوها	مصادیق الگوها در فضاهای محله سرچشمه
گره‌های فعالیتی	محل‌های تجمع در سرتاسر محله و جلوی درب منازل و کاریزها و مسجد و جلوی حمام عمومی.
گردشگاه	در مرکز محلات فضاهای تجمعی از جمله فضای جلوی در مسجد- میدان محله وجود داشت.
ساختمان مرکزی	مسجد محله و حمام و میدان و دیگر فضاهای تجمعی در مرکز محله واقع می‌شد.



تصویر شماره ۴: تصویر امروزی مرکز محله سرچشمه، مغازه‌ها دورتادور این مرکز همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.



تصویر شماره ۵: مسجد اسحاق میرزا

در سده اخیر، به دلیل تعداد بسیار کم وسایل نقلیه، کوچه‌ها معمولاً خالی از اتومبیل بود و افراد بیشتر به صورت پیاده، آمد و شد می‌کردند و همین شرایط اولویت پیاده را نشان می‌داد. رفت و آمد افراد به صورت پیاده باعث ارتباط بیشتر افراد بود و این ارتباطات، حیات مدنی را در فضای محله و همسایگی تقویت می‌کرد. بن‌بست‌ها، پاتوق بازی کودکان و پر از زندگی و حیات بود. معمار معاصر، مرحوم علی اکبر صارمی که دوران کودکی را در محله سرچشمه زنجان سپری کرده می‌نویسد: "کوچه‌ی بن‌بست خودمان که در محله‌ی سرچشمه‌ی زنجان قرار داشت از کوچه اعتمادالدوله می‌گذشت و انتهایی کوچه به خانه‌ی مستشیرالدوله ختم می‌شد. دوله‌ها و سلطنه‌ها از دوران قاجار در شهر ما زندگی می‌کردند و خانواده‌ی من آمیخته‌ای از آنان و سادات روحانی مستشیرالدوله در همسایگی خانه‌ی ما بود



مغازه‌های محلی	در محلات قدیمی مغازه‌های محلی معمولاً در نیش کوچه‌ها و در دسترس ساکنان واقع می‌شد.
فضای سبز	حیاط خصوصی در منازل و وجود باغات و فضاهای سبز بکر در نزدیکی محلات
فضای پاتوق	جلوی درب منازل یا مغازه و ... فضاهای تجمع و فضای گفت‌وگو افراد بود.
اولویت پیاده	تعداد کم خودروها و مسیرهای پیاده خود باعث رو در رو شدن ساکنان و ارتباط افراد می‌شد.
محدودیت طبقه	خانه‌ها اغلب شخصی و در ۱ یا ۲ طبقه بود.
مجموعه خانه‌ها	در کوچه‌ها به دلیل ویلایی بودن منازل تعداد محدودی واحد مسکونی که همه ساکنان با هم در ارتباط بودند.
مرز محله	بن‌بست‌های سرزنده و محل بازی کودکان و گفت‌وگو ساکنان کوچه‌های گذشته

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- تحلیل طرح‌واره‌ها و

الگوهای طراحی

بر اساس تجزیه و تحلیل پیشنهادات الکساندر، ۳۵ الگوی مرتبط با ایجاد نواحی مسکونی و ارتقاء حس جمعی، استخراج شدند. این الگوها در ۴ دسته با طرح‌واره‌های ایجادکننده حس زندگی اجتماعی (با توجه به نظریه کیم و کاپلان) قرار گرفتند.

این دسته‌بندی شامل: ۱ و ۲: طرح‌واره‌های فردی و اجتماعی تعامل-مبنا که در طرح‌واره‌های فردی و اجتماعی تفکیک شده‌اند. ۳: طرح‌واره هویت-مبنا و ۴: طرح‌واره دلبستگی-مبنا که در جداول جداگانه با معرفی ذهن‌بنه‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با طرح‌واره ذهنی، به زبان الگوی طراحی و راهکار اجرایی مشخص شده است.

۸-۱-۱- طرح‌واره‌های فردی و اجتماعی تعامل-

مبنا:

طرح‌واره تعامل فردی در مقیاس محیط پیاده و انسان ارتباط دارد و با ذهن بنه شناخت تک تک افراد جامعه معنا پیدا می‌کند. انسان به عنوان یک موجود مدنی و با خصلت‌های اجتماعی، نیازمند شناخت افراد جامعه محلی است و اگر به دلایل مختلف، چنین ارتباطی بین ساکنان جامعه محلی شکل نگیرد، یا بسیار ضعیف شکل بگیرد، بدون شک کیفیت زندگی محلی کاهش پیدا کرده و

حتی ممکن است ایزوله شدن و احساس تنهایی و نگرانی از عدم دوست‌یابی در محیط (تصمیم برای تغییر محیطی یا جابه‌جایی از محله) را در پی داشته باشد. طرح‌واره تعامل جمعی نیز با ذهن‌بنه درگیر بودن با جامعه و برقراری رابطه اجتماعی ارتباط دارد چرا که ایجاد ارتباط اجتماعی یکی از نیازهای مهم انسانی است و افراد با توجه به ویژگی خود تمایل به برقراری ارتباط اجتماعی با هم‌نوعان خود دارند و برای رفع نیازهای دیگر از تخصص دیگر افراد بهره می‌برند. ایجاد گروه‌های محلی و مفاهیمی چون هم‌محله‌ای یا هم‌شه‌ری بر این ادعا صحت می‌گذارد.

با توجه به دیدگاه نظریه پردازان روان‌شناسی شناختی، طرح‌واره تعامل فردی با ذهن بنه شناخت جامعه از طریق فرد و ایجاد فضا با قابلیت‌هایی چون پیاده‌مداری، باعث حضور فرد در جامعه و تعامل اجتماعی می‌شود که برای طراحی و برنامه‌ریزی این امر، زبان الگوهای طراحی ارائه شده‌است. طرح‌واره تعامل اجتماعی نیز با ذهن بنه درگیر بودن با جامعه و حضور پر رنگ افراد در بطن جامعه و مؤلفه‌هایی مثل همسایگی و یا رویارویی گاه به گاه باعث شکل‌گیری فضاهایی جامعه‌گرا می‌شود. (جدول ۲ و ۳)

۸-۱-۲- طرح‌واره هویت-مبنا:

امروزه، هویت فضاهای مسکونی به دلیل برنامه‌ریزی مبتنی بر زندگی ماشینی، بیش از پیش مخدوش شده است و انسان معاصر، فضای شهری را واجد هویت انسانی درک نمی‌کند و شهر و محله را در خدمت اتومبیل می‌بیند. بنابراین ایجاد فضاهای با کیفیت برای ایجاد هویت انسان‌گرا در محیط سکونتگاه اهمیت دارد. طرح‌واره هویت مدار با ذهن بنه این همانی با جامعه ایجاد می‌شود. در پی رسیدن به این ذهن بنه، مؤلفه‌هایی چون منحصر به فرد بودن باعث ایجاد احساس هویت در فرد می‌شود. این مؤلفه می‌تواند با زبان الگوهای طراحی به وجود آید، مانند ایجاد مرز مشخص برای محله که خود باعث ایجاد هویت متفاوت برای افراد ساکن در مناطق مختلف می‌شود. سایر مؤلفه‌ها با زبان الگوی طراحی در جدول شماره ۴ مشخص شده‌است.



جدول ۲: طرح‌واره تعامل فردی (پیاده) و زبان الگوی طراحی			
ذهن- بنه	مؤلفه محیط پیاده	زبان الگو	راهکار برنامه ریزی و طراحی
شناخت جامعه محلی	قابلیت پیاده‌مداری	تفکیک شبکه پیاده‌ها و خودروها	طراحی مسیرهای پیاده و تقاطع‌های ترافیکی انسانی و ایمن، تفکیک مسیر پیاده و سواره در ترافیک متوسط
	نزدیکی قلمرو پیاده	محدوده گردشگری خوانا	خواناسازی محیط با ایجاد مسیرهای مشخص و محیطی که مانع از سردرگمی و ترس گم‌شدن شود.
	حمل و نقل عمومی	ایستگاه اتوبوس	احداث فضای سرسبز در مرکز هر خوشه همسایگی و نزدیکی اماکن کار، به حدی که افراد خود را دور از شلوغی و اغتشاش حس کنند. ایجاد فضای سبز در فاصله ۵ دقیقه پیاده‌روی از خانه و محل کار
	مسیر گذر و توقف دوچرخه	توسعه دوچرخه سواری به عنوان یک سیستم حمل و نقل ارزان و سالم با مشخص نمودن مسیر دوچرخه در سرتاسر محله با سطحی قابل تشخیص و استقرار آن در کنار یک جاده محلی یا در کنار مسیرهای اصلی پیاده	محصولیت پارکینگ‌ها و تشخیص و خوانایی ورودی آن. عدم احداث پارکینگ‌های بزرگ و در صورت لزوم، انتقال پارکینگ به زیر زمین و پرهیز از ایجاد پارکینگ‌های دلمرده
	مقیاس پیاده	محیط پارک خودرو ^{۱۴}	پاسخ به علاقه مردم برای قدم زدن و رفتن به مغازه‌های محلی با ایجاد چند مغازه در نیش خیابان‌ها و نزدیک به مرکز محله
	فعالیت‌های خیابانی	کافه‌های محلی	ایجاد کافه‌های محلی با چند فضا رو به مسیر شلوغ پیاده و همچنین دارای فضای ساکت و متناسب با جمعیت
	مغازه‌های محلی	کافه‌های خیابانی	ایجاد محیط محلی امن و مناسب سازی شده برای بیرون رفتن شبانه لذت بخش با استقرار شبانه مغازه‌ها- فضاهای تفریحی و خدماتی در کنار هم در محدوده محله
	مغازه‌های محلی	کافه‌های خیابانی	پراکندگی اماکن کار در نواحی زندگی: استقرار مراکز اشتغال در نزدیکی زندگی خانوادگی با در نظر داشتن فاصله خانه تا محل کار در حدود ۲۰-۳۰ دقیقه پیاده‌روی، به شکلی که افراد برای استراحت و ناهار و مانند آن به خانه برگردند.
	فعالیت‌های خیابانی	زندگی شبانه	ایجاد محیط محلی امن و مناسب سازی شده برای بیرون رفتن شبانه لذت بخش با استقرار شبانه مغازه‌ها- فضاهای تفریحی و خدماتی در کنار هم در محدوده محله
	فعالیت‌های خیابانی	نواحی کار-زندگی	پراکندگی اماکن کار در نواحی زندگی: استقرار مراکز اشتغال در نزدیکی زندگی خانوادگی با در نظر داشتن فاصله خانه تا محل کار در حدود ۲۰-۳۰ دقیقه پیاده‌روی، به شکلی که افراد برای استراحت و ناهار و مانند آن به خانه برگردند.
جدول ۳: طرح‌واره تعامل اجتماعی و زبان الگوی طراحی			
ذهن- بنه	مؤلفه تعامل	زبان الگو	راهکار برنامه ریزی و طراحی
درگیر بودن با جامعه محلی	همسایگی	درجه عمومی بودن محیط خانه	استقرار خانه در همسایگی با درجه عمومیت خلوت، شلوغ یا متوسط
	رویارویی گاه به گاه اجتماعی	فضاهای نشست	مکان یابی فضاهای مناسب نشستن در خوشه همسایگی: چشم انداز مکان نشستن به فعالیت افراد/ قرارگیری در معرض نور خورشید زمستانی/ آسایش مکان نسبت به وزش باد
		فضای پاتوق	امکان تعامل و گسترش گفت‌وگو اجتماعی با ایجاد فضاهای جمعی کوچک و بزرگ برای سنین مختلف و کودکان
		اولویت حرکت پیاده	تعریف فضای سبز در پیوند با مسیر پیاده و دوچرخه ایمن؛ اولویت دهی ایجاد فضاهای سبز و پیاده و طراحی ساختمان‌ها و جاده‌ها بر این اساس
	مشارکت محلی	به روز شدن در فناوری	عجین شدن با فناوری و هوش مصنوعی از طریق ایجاد فضا در هر خوشه همسایگی برای تبادل اطلاعات و تعامل اجتماعی با دسترسی به اینترنت پرسرعت و رایگان (نایر، ۱۳۹۱)
		ورزش محلی	امکان تحرک بدنی برای سلامت جسمانی با طراحی مکان برای ورزش تیمی و انفرادی در سطح محله
		گره فعالیت	ایجاد گره‌ها و میدان‌های کوچک بر ایجاد اجتماعات محلی از طریق توزیع فضاهای باز و میدان‌های عمومی کوچک در مرکز گره‌ها و خوشه‌های همسایگی
		اماکن باز عمومی	ایجاد فضای ملاقات ساکنان و گسترش تعاملات اجتماعی در فضای مسکونی نزدیک خانه‌ها به عنوان اماکن باز عمومی



۸-۱-۳- طرح‌واره دل‌بستگی-مبنا:

مک میلان و چاویسریال از نظریه‌پردازان مفهوم حس تعلق محله‌ای اهمیت این مفهوم را در ۴ مولفه تبیین کرده‌اند:

عضویت: اگر فردی احساس عضویت و پیوستگی با اجتماع محله داشته باشد، مشارکت بیشتری در کنش‌های جمعی خواهد داشت. آن دسته از افرادی که حس قدرتمندی از عضویت دارند، حس مسئولیت و مشارکت محله‌ای بیشتری خواهند داشت.

تأثیرگذاری: اگر افراد احساس نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری بر محله داشته باشند، احتمال همراهی فعال در طرح‌ها و برنامه‌های محلی افزایش می‌یابد.

پاسخ‌دهی نیازها: این مولفه زمانی بهبود می‌یابد که ساختار اجتماعی- فیزیکی محله قادر به برآورده کردن نیاز ساکنان باشد. زمانی که ساکنان، بخشی از نیازهای خود را در محله قابل دسترس ببینند، تمایل بیشتری در دل‌بستگی به محله خواهند داشت.

پیوند عاطفی: این مولفه از مولفه‌های احساسی و روان‌شناختی حس تعلق است که باعث اتصال فرد به اجتماع محله و در نتیجه تمایل به مشارکت در کارهای محله می‌شود. (جمشیدیها، ۱۳۹۳)

طرح‌واره دل‌بستگی و احساس تعلق با ذهن بنه پیوند با جامعه و حس تعلق و آشناپنداری فضا همراه است. ویژگی‌های روحی و ادراکی انسان، او را برآن می‌دارد که پس از مدتی سکونت در یک فضا آن را متعلق به خود بداند. اگرچنین احساسی در انسان ایجاد شود خود باعث می‌شود فرد ساکن از فضا محافظت کرده و در ارتقاء کیفی فضا بکوشد. برای رسیدن به این ذهن بنه، مؤلفه‌ها و زبان الگوهای مرتبط در جهت دستیابی به این حس تعلق در جدول شماره ۵ مشخص شده است. از جمله الگوی مالکیت که این الگو به طور بالقوه باعث احساس تعلق می‌شود، به طوریکه اگر فرد خود را مالک و صاحب فضای سکونتی خود باشد، از آن فضا محافظت کرده و کیفیت فضایی آن برای وی تعریف متفاوتی خواهد داشت.

علاوه بر این، یکی از کلید واژگان آفرینش یکپارچه حس اجتماع محلی، رویدادمدراری است که به عنوان راهبردی در ارتقاء کیفیت فضاهای شهری مطرح شده است. (صالحی‌معوا، ۱۴۰۱، ص ۸۵-۸۹) رویداد محوری^{۱۳} از سطوح توسعه رویداد مداری است که در پایه‌ای‌ترین سطح و با تمرکز بر تعداد، طیف و گونه رویدادها باعث تقویت این امر می‌شود. (رنجبر، ۱۳۹۶، ص ۸) رویداد محوری بر سرزندگی و مشارکت مردم تأثیر مستقیم دارد و باعث ارتقاء هویت و تعامل اجتماعی و حس تعلق در محله می‌شود. در حال که انگاره‌ها و طرح‌واره‌های ذهنی ساکنان، رویدادمدرار^{۱۴} شدن برخی فضاها مانند مرکز محله را تسهیل می‌کنند، رویدادمدراری فضاها نیز باعث تقویت و ارتقا طرح‌واره‌های ذهنی نزد ساکنان می‌شوند. بررسی سیر تحولات تاریخی در محله سرچشمه و دیگر محله‌های فرهنگی-تاریخی شهر زنجان نیز حاکی از آن است برخی مراکز، مسیرها و مقاصد اجتماعی- محلی در گذر دهه‌ها و حتی سده‌ها، همچنان به عنوان مراکز و کانون‌های اجتماعی، پیوند دهنده جامعه محلی هستند و تجلی کالبدی این حس اجتماعی را در ماندگاری کالبدی- فضایی، فضاهای باز و مکان- رویدادهای جمعی در هسته مرکزی محلاتی چون سرچشمه، حسینییه، زینبیه، درمان آرخی و سیدآر مشاهده می‌شود. کانون‌های اجتماعی- کالبدی هر محله، همچنان در ایام خاصی از سال شاهد برگزاری رویدادها و تداوی و تکرار خاطرات جمعی ساکنان شهر و محله می‌باشند و این رویدادها به دلیل هم پیوندی زبان الگوی طراحی فضاها با طرح‌واره‌های ذهنی هماهنگ ساکنان از سوی دیگر، هر ساله با جلوه‌ای جدید رخ می‌دهد. این رویدادها باعث ایجاد حس اجتماعی و تعامل میان ساکنان و همچنین باعث ایجاد هویت اجتماعی در آن ناحیه سکونتی می‌شود. مشارکت افراد در اجرای مراسمات در این رویدادها باعث صمیمیت و حس تعلق و دل‌بستگی به فضای سکونتی خود نیز می‌شود.



جدول ۴: طرح‌واره هویت سکونتی و زبان الگوی طراحی				
ذهن-بینه	مؤلفه هویت سکونتی	زبان الگو	راهکار برنامه ریزی و طراحی	
این همانی با جامعه محلی	منحصر به فرد بودن	مرز محله ^{۱۵}	فاصله‌گذاری فیزیکی و ایجاد مرز طبیعی یا مصنوعی محله با محدودسازی دسترسی در مرز محله از طریق بستن خیابان‌ها و محدود کردن دسترسی‌ها و طراحی برای جمعیت‌پذیری عاری از ترافیک، تقویت تشخیص محله به عنوان یک واحد فضایی با هویت کالبدی متمایز	
		عناصر شاخص هویت‌دهنده	تقویت خوانایی و جهت‌یابی در محل با هماهنگ‌سازی و یکپارچه کردن سیما و ایجاد نشانه‌های شهری، مجسمه‌ها و میلمان شهری با کیفیت محیطی	
		کهنسالان	تأمین نیاز سالمندان به ارتباط با دیگران با ساخت واحدهای کوچک اقامت با خدمات پرستاری و استراحت	
		مهد کودک	سپری شدن چند ساعت از زندگی روزانه کودکان، مستقل از والدین با ساخت مهد کودک با مدیریت و نظارت افراد متخصص و فعالیت در ساعات مختلف	
	تداوم	نام‌گذاری کوی‌ها و معابر	فرهنگ‌سازی حس بهتر فضای زندگی با انتخاب نام مناسب محله، کوی‌ها، مجتمع‌های مسکونی و دسترسی‌ها	
		فرهنگ	اجرا و تدارک رویدادهای گروهی و فعالیت‌های فردی با برنامه ریزی و شناخت فرهنگ به عنوان پدیده اجتماعی و ترویج فرهنگ زندگی محلی (فلامکی، ۱۳۸۵)	
	اهمیت	محدودیت ۴ طبقه	ارتباط ساکنان خانه با محیط پیرامون و ارتباط پذیری ساکنان با محوطه مسکونی در ۴ طبقه‌ها ممکن می‌شود.	
			فضای بازی ^{۱۶}	طراحی فضای مشترک و زمین بازی کودکان به دور از ترافیک با یک زمین بازی از مصالح طبیعی تا کودکان زمین بازی را خود بسازند. ایجاد فضاهای بازی خلاقانه خردسالان نوپا برای بازی و جست و خیز
		انسجام و پیوستگی	ساختمان مرکزی	محصولیت پارکینگ‌ها و تشخیص و خوانایی ورودی آن. عدم احداث پارکینگ‌های بزرگ و در صورت لزوم، انتقال پارکینگ به زیر زمین و پرهیز از ایجاد پارکینگ‌های دلمرده
			مجتمع‌های مسکونی	ساخت مسکن متناسب با هویت مردم در مجموعه‌ای از ساختمان‌های کوچک و مرتبط با با گذرها و معابر
جدول ۵: طرح‌واره دل‌بستگی به مکان و زبان الگوی طراحی				
ذهن-بینه	مؤلفه دل‌بستگی به مکان	زبان الگو	راهکار برنامه ریزی و طراحی	
پیوند و دل‌بستگی با جامعه محلی	رضایت‌مندی	مجموعه خوشه‌ای خانه‌ها	کنترل مستقیم ساکنان بر روی اراضی؛ از طریق استقرار مجموعه‌ای نامنظم از خانه‌ها	
	تعامل بلند مدت	تخصیص زمین	ایجاد اشتغال محلی و کاهش سفرهای شهری با تعیین امتیازاتی برای تخصیص شغل‌های محلی به افراد محله با ایجاد زمینه بروز فعالیت اجتماعی و تمهید مواجهه همسایگان	
		محلی	محلی	مالکیت مکان، انگیزه حفظ بهتر را فراهم می‌کند در برابر فضا، حس تکلیف ایجاد می‌کند.
	حس مالکیت	مالکیت	مالکیت خانه	تخصیص فضای باز در هر مالکیت خانه: اگر هر خانواده‌ای خانه‌ی خاص خود با فضای کافی برای باغچه داشته باشد، آن‌ها امکان کنترل خانه و باغچه را خواهند داشت.
		مالکیت مغازه	مالکیت مغازه	بهتر است مالکیت مغازه‌ها با کسی باشد که در آن کار می‌کند و اداره‌اش می‌کند. مغازه‌ها با فضاهای کوچک حس کنترل و مراقبت بهتری دارند.
		فضای دنج	فضای دنج	آفرینش فضای دنج با توجه به حق انتخاب و شخصیت فردی با ایجاد فضا با تو رفتگی و احداث سکو در مسیر باز



۹- نتیجه‌گیری:

در ترکیب نظریه طرح‌واره‌های ذهنی با نظریه زبان الگو، چارچوبی حاصل شد که کاربست نظریه زبان الگو را در تقویت تعاملات جمعی نواحی مسکونی معاصر تسهیل می‌کند. بر این اساس، طرح‌واره تعامل فردی با ۱۰ الگوی طراحی (بر اساس پنج مولفه قابلیت پیاده‌مداری، نزدیکی قلمرو پیاده، دسترسی حمل و نقل عمومی، مقیاس پیاده و فعالیت خیابانی) و طرح‌واره تعامل اجتماعی با ۸ الگوی طراحی (بر اساس سه مولفه همسایگی، رویارویی گاه به گاه و مشارکت محلی) در تقویت حس همسایگی و محله‌ای مشارکت می‌کنند. همچنین، طرح‌واره هویت سکونتی با ۱۱ الگوی طراحی (بر اساس چهار مولفه منحصر به فرد بودن، تداوم، اهمیت و انسجام) و طرح‌واره دلبستگی محله‌ای با ۶ الگوی طراحی (بر اساس سه مولفه رضایتمندی، تهامل بلند مدت و حس مالکیت)، می‌توانند به تقویت تعاملات جمعی و حس همسایگی در نواحی مسکونی کمک کنند. از منظر روانشناسان شناختی، طرح‌واره‌های ذهنی انسان همانند تار عنکبوت، ارتباطات چند لایه و چند بعدی دارند. در نظریه زبان الگو نیز، الگوهای طراحی و مکان‌سازی، ارتباطات چندگانه با هم دارند و می‌توانند همدیگر را تقویت یا تضعیف نمایند. این مهم در مدل حس اجتماع محلی دیده می‌شود و بین مؤلفه‌های هویت سکونتی، تعامل اجتماعی و فردی (انسان پیاده) و دلبستگی به محل، ارتباطات دو طرفه و چند طرفه وجود دارد و در هم نیروزایی مؤلفه‌های چهارگانه، ارتقاء حس اجتماعی محله رخ می‌دهد. کارایی این مدل ترکیبی (متشکل از دو نظریه بررسی شده و تطبیق آنها) در تبیین حس اجتماعی عمیق محله‌های سنتی در بررسی موردی محله سرچشمه زنجان، اعتبار درونی^{۱۷} مدل پژوهش را آشکار ساخت. به این ترتیب لازم است چیدمان و نحوه استقرار و هم‌پیوندی فضاهای عمومی در نواحی مسکونی، به شکلی باشد که الگوهای طراحی مختلف امکان ظهور و استفاده ساکنان را داشته باشند. تعمیم‌پذیری این الگوها در نواحی مختلف و قابلیت استفاده از آن در مناطق مختلف، می‌تواند روایی (اعتبار) بیرونی^{۱۸} پژوهش را نشان دهد.

همان‌طور که طرح‌واره‌های ذهنی افراد، ارتباطات درونی معناداری دارند، رویداد محور شدن نواحی مسکونی، به واسطه در هم تنیدگی طرح‌واره‌های ذهنی و هم‌نیروزایی الگوهای طراحی، در ارتقاء تعاملات جمعی نقش اساسی دارد. از آنجا که ساختار محله و مفهوم همسایگی مانند سایر پدیده‌های اجتماعی صرفاً متشکل از فضاهای معماری و شهری نیست، بلکه این ساختار بر پایه روابط و کنش‌های معنادار انسانی شکل می‌یابد، از این رو، رویداد محوری می‌تواند الگوهای مکان-رفتار را تقویت کند و باعث افزایش هم‌پیوندی بین الگوهای طراحی شود و به عنوان پل ارتباطی بین الگوهای طراحی و طرح‌واره‌های ذهنی نقش‌آفرینی کند. علاوه بر این، رویداد محوری را می‌توان یکی از راهکارهای عملیاتی دانست که می‌تواند علاوه بر حواس پنج‌گانه افراد، قوای ادراکی-شناختی، رفتاری-اجتماعی و نیز عواطف و احساسات ساکنان را در سطح فضاهای عمومی محله فعال نماید و تعاملات جمعی و حس همسایگی ساکنان را ارتقاء دهد.

۱۰- قدردانی:

موردی از طرف نویسندگان مطرح نشده است.

۱۱- پی‌نوشت:

¹ Donald Appleyard

² Jan Gehl

³ William H. Whyte

⁴ Kevin A. Lynch

⁵ Jane Jacobs

^۶ کتاب زبان الگو، که در سال ۱۹۷۷ منتشر شده است، امروزه یکی از پر استنادترین منابع نظری دانش معماری و شهرسازی شناخته می‌شود و در موتور جستجوی گوگل اسکالر، بیش از ۱۲۰۰۰ استناد از این کتاب موجود است.

⁷ sensation

⁸ Ulrich Neisser

⁹ K.L. Seifert

¹⁰ David Harvey

¹¹ Edward de Bono

¹² eventful

¹³ Event- focussed



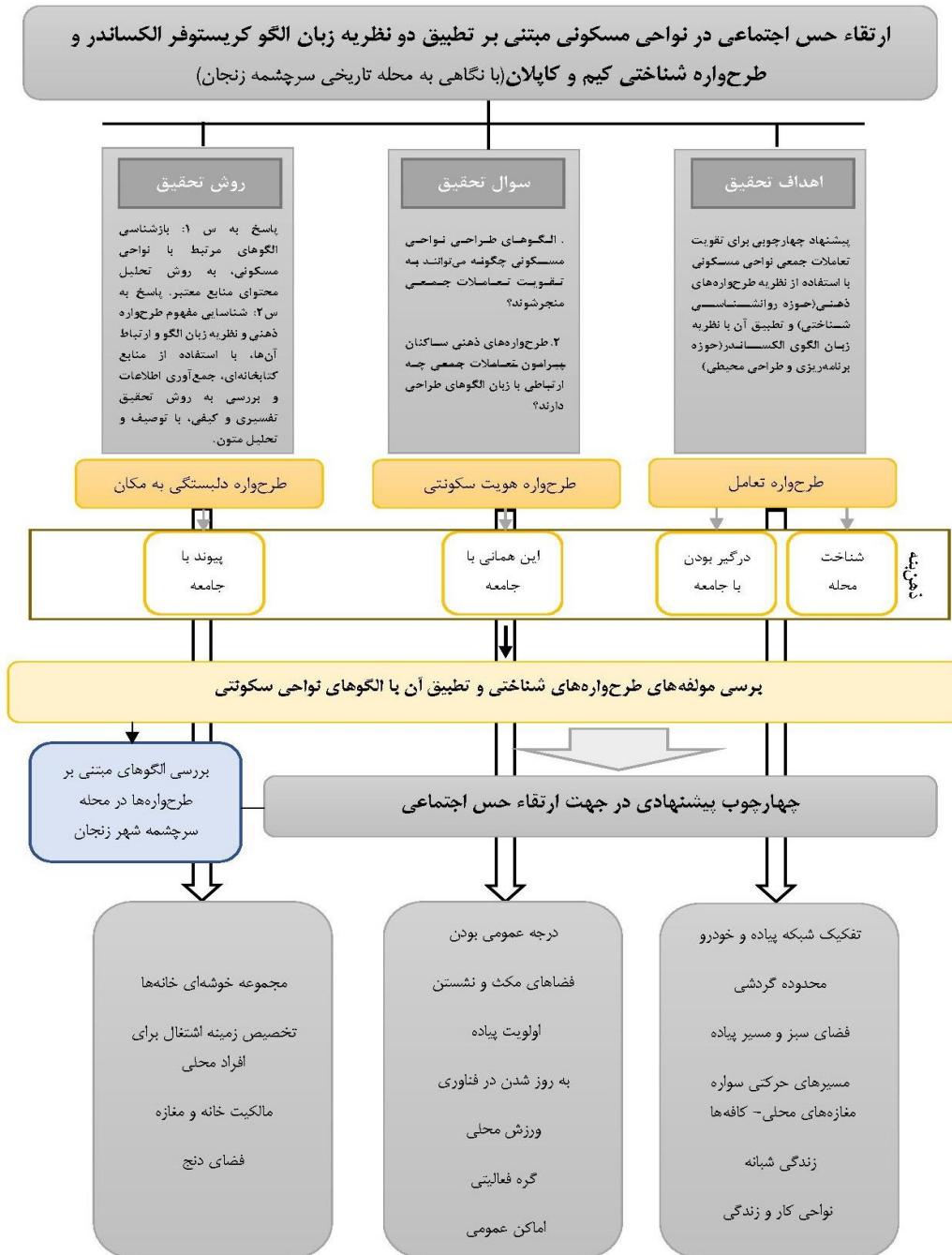
- ۱۴ این الگو شامل الگوی پارکینگ پوشیده و الگوی پارکینگ‌های کوچک و ۹ درصد پارکینگ است.
- ۱۵ این الگو شامل الگوهای مرز خرده فرهنگ‌ها و مرز محله و محله‌های متمایز می‌شود.
- ۱۶ این الگو شامل الگوهای زمین بازی متصل و زمین‌های بازی ماجراجویانه می‌شود.
- ۱۷ اعتبار درونی (Internal Validity) نمایانگر آن است که تا چه اندازه یافته‌های تحقیق از صحت و دقت لازم برخوردار است و به میزان اطمینان از یافته‌ها اشاره دارد. این اعتبار با توانا ساختن پژوهش‌گر در جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها، به تعبیر و تفسیر آن می‌پردازد.
- ۱۸ اعتبار بیرونی (External Validity) نمایانگر آن است که یافته‌های تحقیق که با استفاده از یک نمونه به دست آمده به گروه وسیع‌تری از آزمودنی‌ها یا شرایط دیگری قابل تعمیم است.
- ۱۹ از بناهای قدیمی دوران قاجار، عصر مشروطه و دوره پهلوی اول که در محله سرچشمه و راسته موسوم به دالان حاجی وزیر زنجانی قرار داشتند، می‌توان به عمارت اربابی ذوالفقاری، منزل حسن خان خدیوی (ناصر نظام)، عمارت و باغ حکومتی مالیه (دیوان استیفاء)، منزل میرزا علی اصغر خان مشیر الممالک (حاج وزیر زنجانی)، عمارت محمد ذوالفقاری (اعظام السلطنه) و حمید خان و مصطفی خان ذوالفقاری و اجودان باشی، سید باقر خان امجدی (امجد نظام) و حبیب الله خان اعتماد امین (اعتمادالدوله) و حسین خان کاووسی (دبیر همایون)، رضا خان اصائلو (امیراشجع) و منزل میرزا علی اکبر خان قولی قیسالو مبارز مشروطه و تکیه اکبریه نام برد که تعدادی از این بناها، در گذر تاریخ تخریب شده‌اند و شماری بازسازی، نوسازی و یا مرمت و تغییر کاربری یافته‌اند. محله سرچشمه در کانون بخشی از تاریخ تحولات مشروطه زنجان قرار داشته است.
- ۱۲- منابع فارسی و لاتین**
- الکساندر، کریستوفر، ۱۳۹۳؛ الگوهای استاندارد در معماری، مترجم: فرشید حسینی، نشر مهرآزان، تهران.
 - الکساندر، کریستوفر، ۱۳۹۵؛ زبان الگو: شهرها، مترجم: رضا کربلایی نوری، مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، تهران.
 - الکساندر، کریستوفر، ۱۳۹۷؛ معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن، مترجم: مهرداد قیومی بیدهندی، نشر روزنه، تهران.
 - بل، سایمون، ۱۳۸۲؛ منظر-الگو، ادراک و فرایند، ترجمه بهناز امین‌زاده، دانشگاه تهران، تهران.
 - جمشیدیها، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۳؛ بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: محله قزل قلعه تهران)، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۱۲، https://urb.dehaghan.iau.ir/article_641_181.html
 - حبیبی، سید محسن و صدیقه مسائلی، ۱۳۸۶؛ سرانه کاربری‌های شهری، سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
 - رحمتی، منیژه و مصطفی بهزادفر و مرتضی میرغلامی، ۱۳۹۱؛ استخراج زبان الگوی طراحی شهری ایرانی با تکیه بر ویژگی‌های ساختاری گستره‌های کوچک شهر (نمونه موردی: شهر نائین در استان اصفهان)، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر تبریز، <https://elmnet.ir/doc/10615395-81901>
 - رنجبر، احسان، ۱۳۹۶؛ رویدادماری و ارتقاء کیفیت فضای شهری، از شهر جهانی تا شهر ایرانی، دو فصلنامه علمی-تخصصی ارس، تهران، <https://civilica.com/doc/1422465>
 - سالینگاروس، نیکولاس، ۱۳۹۷؛ شهر از منظر هندسه فراکتال، نشر آرمان شهر، تهران.
 - شریف، حمیدرضا و فاطمه محمدعلی‌نژاد، ۱۳۹۱؛ زبان الگو و روان‌شناسی شناختی، نشریه صفا، ص ۲۳-۴۰، https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100130.html
 - صارمی، علی‌اکبر، ۱۳۹۲؛ تارو پود و هنوز- سرگذشت من و معماری ما، نشر هنر معماری قرن.
 - صالحی‌معا، فاطمه و احسان رنجبر، ۱۴۰۱؛ تحلیل و مقایسه میزان رویدادماری فضاهای عمومی شهری مورد مطالعه: منطقه ۱۲ شهر تهران، نشریه باغ نظر، تهران، https://www.bagh-sj.com/article_141024.html
 - فرم‌پهنی‌فراهانی، بهراد و مظفر صرافی، ۱۴۰۰؛ نقش طرح‌واره‌های ذهنی در تولید فضا (نقد سه‌گانه فضایی لوفور از منظر مکتب ویگوتسکیایی‌شناسی، نشریه علمی معماری و شهرسازی، ۱۲(۱)، ص ۵-۲۵، <https://sid.ir/paper/507260/fa>



- Kentlands. *Journal of Urban Design*, 12(2), 203-230.
- https://www.researchgate.net/publication/248992184_Perceiving_and_Valuing_Sense_of_Community_in_a_New_Urbanist_Development_A_Case_Study_of_Kentlands
 - Kim, J., & Kaplan, R. (2004). Physical and psychological factors in sense of community new urbanist Kentlands and nearby Orchard Village. *Environment and Behavior*, 36(3), 313-340. https://www.researchgate.net/publication/238428836_Physical_and_Psychological_Factors_in_Sense_of_Community_New_Urbanist_Kentlands_and_Nearby_Orchard_Village
 - Lewicka & Iwanczak Bartlomiej, (2020), Affective map of Warsaw: Testing Alexander's pattern language theory in an urban landscape, *Landscape and Urban Planning*. https://www.researchgate.net/publication/343611676_Affective_map_of_Warsaw_Testing_Alexander's_pattern_language_theory_in_an_urban_landscape
 - Nikos Salingaros. (2023), A Theory of Architecture Part 1: Pattern Language vs. Form Language. *ArchDaily*. <https://www.archdaily.com/488929/a-theory-of-architecture-part-1-pattern-language-vs-form-language>
 - Sabzalizadeh, Meisaam, Hasan Taghi Nejad; (2019), Check pattern matching, concept and role of the neighborhood, in traditional neighborhoods in Iran and neighborhood in the new sustainable development model neighborhoods, *UCT journal of social science and humanities research*. https://www.iscity.ir/article_142568.html
 - فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۸۵؛ فارابی و سیر شهروندی در ایران، نشر فضا، تهران.
 - گل، یان، ۱۳۹۶؛ شهر انسانی، مترجمان: علی غفاری و لیلا غفاری، نشر علم معمار، تهران.
 - لنگ، جان، ۱۳۸۱، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، دانشگاه تهران، تهران.
 - نایر، پراکاش و جفری لاکنی، ۱۳۹۱، زبان طراحی مدرسه، مترجم: ثمانه ایروانی، نشر راه‌دان، تهران.
 - Brower, S. N. (1996). *Good neighborhoods: A study of in-town & suburban residential environments*: Praeger Westport, CT. https://books.google.com/books/about/Good_Neighborhoods.html?id=zPGwAAAIAAJ
 - Farahani, Leila Mahmoudi, [Mirjana Lozanovska](#), (2014), A Framework for Exploring the Sense of Community and Social Life in Residential Environments, *International Journal of Architectural Research* (p:223-237) <https://www.semanticscholar.org/paper/A-framework-for-exploring-the-sense-of-community-in-Farahani-Lozanovska/4fb219fe4623a60aef778e0c0a2702c05ab73fb3>
 - Francis, J., Giles-Corti, B., Wood, L., & Knuiam, M. (2012). Creating sense of community: The role of public space. *Journal of Environmental Psychology*, 32(4), 401-409. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0272494412000461>
 - Glynn, T. J. (1986). Neighborhood and sense of community. *Journal of community psychology*, 14(4), 341- 352. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/1520-6629%28198610%2914%3A4%3C341%3A%3AAID-JCOP2290140403%3E3.0.CO%3B2-0>
 - Kim, J. (2007). Perceiving and valuing sense of community in a New Urbanist development: A case study of



۱۳- چکیده تصویری



دوفصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال هفتم، شماره چهاردهم

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

